

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

به مصادیقی از جواز ارتزاق از بیت المال اشاره شد از جمله این مصادیق مثل معلم قرآن، مؤذن، قاسم، کاتب قاضی، مترجم، صاحب دیوان و قاضی. در این جهت اقوالی که در مسأله هست که آیا اخذ اجرت بر این ها جائز نیست که آنها را از مترزقه دانسته اند. در برخی از این موارد از کلمات فقها استفاده می شود که جائز نیست.

مرحوم شیخ طوسی می فرماید: «و لا يجوز شهادة من يبقي على الاذان الاجر ... (نهایه ص 326)

وقتی بگوییم شهادت این انسان مسموع نیست یعنی مرتکب فسق شده و اخذ اجرت برای او جایز نبوده و اجرت گرفته پس هم فعل او حرام بوده است لذا شهادت او مسموع نیست، ولی جناب ایشان در مورد اجرت بر تعلیم قرآن و همچنین اجرت بر استنساخ مصحف اعتقاد به کراهت دارند ولی آن را حرام نمی دانند و کراهتی که می گویند مربوط به زمانی است که اجرت شرط شود والا اگر شرطی در بین نباشد هیچ کراهتی ندارد. بله اگر موضوع چیزی حکمت و ادب باشد تعلیم بر آن در قبال اجرت اشکالی ندارد.

مرحوم شیخ الطائفه در مقام تعلیل حکم در مورد مصادیق آن فرمایشاتی دارند: «و هكذا قالوا في الامامة العظمى و الاذان و الاقامة يؤخذ الرزق على ذلك و لا يكون اجرة لانه عمل لايفعله عن الغير.» ملاک در اجاره این است که شما کاری را برای دیگری انجام بدهید تا اجاره بشود ولی کسی که برای خودش کاری انجام می دهد اجرت معنایی ندارد، در حقیقت مؤذنی که اذان می گوید برای خودش این کار را انجام می دهد به همین جهت اجرت ندارد. (مبسوط ج 8 ص 85)

این استدلال در مورد اذان و اقامه نماز خود فرد درست است، اما آیا فرض دارد که اذان گفتن به انگیزه در خواست آن از ناحیه شخص دیگری باشد یا اصلا فرض ندارد؟ شما در زمستان حوصله پشت بام رفتن و اذان گفتن ندارید به دیگری می گوید اذان بگوید و او برای سقوط استحباب اذان از شما این کار را انجام می دهد

پس یفعله عن الغیر صادق است. یا مثلاً، در حکومت اسلامی اگر کسی را مکلف کنیم که در اوقات صلوات خمسہ اذان بگوید چون نفع آن به دیگری برسد لاسیما وقتی که به مؤذن بگوییم باید در زمان و مکان خاص و با شرایط خاص اذان بگویی در این صورت دلیل «لا یفعله عن الغیر» بی معنا می شود.

همچنین دلیل «لانه لا یفعله عن الغیر» شامل قاسم و کاتب قاضی و صاحب دیوان نمی شود چون این اعمال صرفاً از مستحبات نظامیه است پس نمی توان گفت یفعله لنفسه.

اما جناب شیخ اعظم (مکاسب ج 1، ص 452) در این جهت که در مثل اذان و تعلیم قرآن و مستحبات عبادی اگر بخواهد اخذ اجرت بشود می فرماید: «انه قد ظهر مما ذکرناه من عدم جواز الاستئجار علی المستحب اذا کان من العبادات انه لا یجوز اخذ الاجره علی اذان المکلف لصلاة نفسه.»

ایشان می فرماید در مستحبات عبادی اخذ اجرت درست نیست (که قسیم آن مستحبات غیر عبادی از جمله نظامیه است) و ثانیاً در مستحبات عبادیه هم اگر چنانچه آن شخص مستحبی را که انجام می دهد برای خودش باشد اجرت گرفتن مفهوم ندارد چون در اجاره باید برای دیگری کار کرد. بعد می فرماید:

«و اذا کان یرجع نفع الی الغیر لاجله یصح الاستئجار کالاعلام بدخول الوقت و الاکتفاء به للصلاة»

در همین مستحب عبادی اگر منفعتی به دیگری برسد به خاطر آن نفع استئجار جایز است مثل این که کسی به دیگری بگوید چون شما اوقات صلوات خمسہ را خوب می دانی و همیشه در آن اوقات بیداری اذان بگو که من هم مطلع شوم در چنین موردی گرفتن اجرت جایز است و یا مثل این که کسی برای نماز خودش از دیگری می خواهد اذان بگوید.

و الحمد لله رب العالمین